MEJDS. 2020; 10:202.

Published online 2021 Jan. **Research Article**

The Effects of Social Problem-Solving Skills Training on Psychological Status in Juvenile Delinquents

Soleimani S[1], *Falahati Bejarpas O[2]

Author Address
1. Professor, Tajikistan Postgraduate Academy, Tajik President of the Foundation for Iranian Studies, Dushanbe, Tajikistan;
2. PhD Student of Postgraduate Education, Tajikistan Postgraduate Academy, Dushanbe, Tajikistan.
***Corresponding author's email:** om_falahati@yahoo.com

Received: 2019 October 28; **Accepted:** 2019 November 27

Abstract

Background & Objectives: Adolescence is associated with a series of rapid biopsychosocial changes. These alternations generate a significant level of anxiety in teenagers. Adolescents are highly influenced by socioeconomic, gender–wise, and cultural factors. This is because of being in a critical period of growth. Research evidence suggests that adolescent offenders lack life skills. A skill required for life is social problem–solving. The innovative point of this study is that few intervention trials have been conducted in the juvenile delinquency population; however, changing the behavior of delinquent juveniles is essential for the community's health and one's mental health. The current study aimed to determine the effect of social problem–solving skills training on the psychological status of juvenile delinquents.

Methods: This was a quasi–experimental study with a pretest–posttest and a control group design. The statistical population of this study was all juvenile delinquents of the Correctional Center in Tehran City, Iran. Through the convenience sampling method, 50 individuals were selected to participate in the study. Then, they were randomly assigned to the experimental and control groups. The criterion for the selection of sample size was 0.25 effect size, as well as alpha 0.05 and 0.80 in the study groups. The minimum sample size was considered as 25 per group. The experimental group received social problem–solving skills training. The control group received no training. Both study groups were evaluated in two stages of pretest and posttest in terms of personality characteristics and subjective wellbeing. The inclusion criteria of the study were as follows: an age range of 13–18 years, living in the correctional center for committing delinquent behaviors and receiving no other training or psychological interventions. The exclusion criterion was absences from >3 sessions. The ethical considerations of the present study were as follows: all individuals received information about the research orally and participated in the research voluntarily; we also ensured that all obtained data remains confidential and used for research purposes. The experimental group underwent 13 one–hour weekly sessions of social problem–solving training. The content of the sessions was based on the social problem–solving model of D'Zurilla and Nezu (1980). The Big Five Inventory (John, 1990) and the Subjective Wellbeing Scale (Keyes et al., 2002) were used to collect the required information. The collected data were analyzed using descriptive statistics, such as mean and standard deviation, and inferential statistics, like Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA) in SPSS at the significance level of 0.05.

Results: The present research results indicated that the mean posttest score of extraversion personality was higher in the experimental group, compared to the controls ($F=9.21$, $p<0.004$). However, there was no significant difference between the experimental and control groups in the pretest–posttest scores of neuroticism ($F=1.82$, $p=0.185$), positive affect ($F=1.25$, $p=0.263$), negative affect ($F=0.17$, $p=0.671$), life satisfaction ($F=3.87$, $p=0.051$), and subjective wellbeing ($F=1.35$, $p=0.256$).

Conclusion: It can be concluded that social problem–solving skills training affects the extraversion personality traits of delinquent male adolescents; thus, the center of correction can improve extraversion personality traits through social problem–solving training for adolescents.

Keywords: Mental wellbeing, Social problem–solving, Delinquent, Juveniles.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۹؛ (۱۰):۲۰۲.

انتشار برخط دی ماه ۱۳۹۹ مقاله پژوهشی اصیل

تأثیر آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی بر وضعیت روان‌شناختی نوجوانان پسر بزهکار

صفر سلیمانی[۱]، *ام‌البنین فلاحتی بجارپس[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. پروفسور، آکادمی تحصیلات تکمیلی تاجیکستان، رئیس بنیاد ایران‌شناسی تاجیک، دوشنبه، تاجیکستان؛

۲. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، آکادمی تحصیلات تکمیلی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** om_falahati@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۶ آبان ۱۳۹۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۶ آذر ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: شواهد پژوهشی حاکی‌از این است که نوجوانان بزهکار از مهارت‌های زندگی بهره‌مند نیستند. یکی از مهارت‌های لازم برای زندگی، مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی است. هدف این مطالعه، تعیین میزان تأثیر آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی بر وضعیت روان‌شناختی نوجوانان بزهکار پسر بود.

روش‌بررسی: طرح پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی با پیش‌آزمون ـ پس‌آزمون و انتخاب گروه گواه بود. جامعهٔ آماری پژوهش را تمامی نوجوانان بزهکار پسر کانون اصلاح و تربیت واقع در استان تهران در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند که ازطریق نمونه‌گیری دردسترس، ۵۰ نفر از آنان انتخاب شدند. سپس به‌صورت تصادفی به دو گروه ۲۵نفری (یک‌گروه آزمایش و یک‌گروه گواه) تقسیم شدند. گروه آزمایش تحت سیزده جلسه آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی قرار گرفت. محتوای جلسات براساس الگوی حل مسئلهٔ اجتماعی دزوریلا و نزو (۱۹۸۰) صورت‌بندی شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامهٔ پنج عامل بزرگ شخصیت (جان، ۱۹۹۰) و مقیاس بهزیستی ذهنی (کییز، و همکاران، ۲۰۰۲) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره به کمک نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۱۸ تجزیه‌وتحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی می‌تواند شخصیت برون‌گرای نوجوانان بزهکار را بهبود بخشد (p=۰/۰۰۴).

نتیجه‌گیری: آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر ویژگی شخصیتی برون‌گرایی نوجوانان پسر بزهکار تأثیر دارد؛ بنابراین کانون اصلاح و تربیت می‌تواند از طریق آموزش حل مسئله اجتماعی به نوجوانان، ویژگی شخصیتی برون‌گرایی آن‌ها را بهبود بخشد.

کلیدواژه‌ها: بهزیستی ذهنی، حل مسئلهٔ اجتماعی، بزهکاری، نوجوانان.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار ـ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]

۱ مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که مجموعه‌ای از تغییرات سریع زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی را به‌همراه دارد. این تغییرات برای نوجوان، اضطراب زیادی ایجاد می‌کند. نوجوانان به‌دلیل اینکه در دورهٔ بحرانی رشد قرار دارند، از عوامل اجتماعی، اقتصادی، جنسیتی و فرهنگی بسیار تأثیر می‌پذیرند (۱). فشارهای روانی دورهٔ نوجوانی طبیعی است؛ اما نوع واکنش نوجوان دربرابر این فشارها، تابعی از میزان سازگاری او با تغییرات گسترده و انطباق با عوامل رسش‌زا است. درواقع افزایش توان‌مندی نوجوان در مواجهه با این تغییرات می‌تواند گذار او را از این مرحله آسان‌تر کند. این توان‌مندی‌ها باید در ابعاد مختلف باشند. نوجوانان دارای رفتارهای بزهکارانه یا سایر مشکلات رفتاری، از مهارت‌های زندگی بهره‌مند نیستند و معمولاً سلامت روان کمی دارند (۲)؛ ازاین‌رو عوامل مختلفی در رفتار بزهکارانه مؤثرند و بزهکاری پدیده‌ای چندعلیتی محسوب می‌شود (۳). بزهکاری پدیده‌ای اجتماعی است و در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد (۴).

بزهکاری در نوجوانان به معنای خشونت و ارتکاب رفتارهای غیرقانونی در افراد کمتر از ۱۸ سال است. اغلب بزهکاری از سنین کم آغاز می‌شود و با بیشترشدن سن افزایش می‌یابد. بسیاری از زندانیان، رفتارهای بزهکارانه را از سنین نوجوانی آغاز کرده‌اند. افزایش بزهکاری و آمارهای منتشرشده دربارهٔ آن موضوعی نگران‌کننده برای هر جامعه‌ای است. بزهکاری نوجوانی ابتدا با رفتارهای عمومی‌تر مانند ترک مدرسه، اصلاح‌ناپذیربودن، غفلت و سهل‌انگاری آغاز می‌شود. خانواده و همسالان نقش مهمی در گرایش نوجوانان به رفتارهای بزهکارانه دارند. درمجموع، بزه به اقدام یا عملی گفته می‌شود که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد (۵). نظریه‌های مختلف به اشکال متفاوتی بزهکاری نوجوانان را توجیه می‌کنند. نظریه‌های انگیزشی، بر این باور هستند که بزهکاری حاصل خواسته‌های مشروع ارضانشده‌ای است که به فرد برای انجام‌دادن کج‌رفتاری‌ها فشار می‌آورد. براساس نظریهٔ کنترل، فرد در انجام‌دادن رفتارهای بزهکارانه آزاد است و شخص آزادانه نظم و ترتیب متعارف را بر هم می‌زند. نظریه‌های فرهنگی اعتقاد دارند که فرد بزهکار ازطریق انجام‌دادن رفتارهای بزهکارانه با مجموعهٔ استانداردهای جامعهٔ بزرگ‌تر یا قدرت‌مندتر مقابله می‌کند (۶).

آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی، فرایندی شناختی‌ـ رفتاری است که افراد ازطریق آن یاد می‌گیرند مسائل زندگی واقعی را در موقعیت‌های اجتماعی حل و فصل کنند و بدین ترتیب هیجان‌های خود را در موقعیت‌های اجتماعی کنترل کنند (۷). مطالعات انجام‌شده در زمینهٔ بزهکاری بیشتر معطوف به علل آن بوده است؛ عواملی مانند مشکلات اقتصادی، قرارگرفتن درمعرض خشونت، تجارب سوءاستفادهٔ کودکی و نوجوانی و فقدان نظارت مثبت والدین بر بزهکاری دختران و پسران مؤثر است. بلوغ زودرس همراه با عوامل استرس‌زایی مانند تعارض با والدین و تعامل با همسالان بزهکار عامل خطری برای بزهکاری دختران است. نوجوانان بزهکار معمولاً سلامت روان مطلوبی ندارند و از نظر روان‌شناختی با مشکلاتی مواجه هستند. بارت و همکاران نقش برخی عوامل را مانند سلامت روان، در بزهکاری مطالعه کردند و گزارش کردند که مشکلات سلامت روان ازجمله اختلال پرخاشگری درگرایش به بزهکاری مؤثر است (۸). مطالعات حاکی‌از این است که مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت دارد (۹). مطالعهٔ جونز نشان می‌دهد که صلاحیت اجتماعی برای نوجوانان ضروری است و نبود صلاحیت اجتماعی می‌تواند با بزهکاری، مصرف مواد مخدر و رابطهٔ جنسی در نوجوانی ارتباط داشته باشد (۱۰). دورلاک و همکاران گزارش کردند که یادگیری مهارت‌های اجتماعی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر سلامت نوجوانان داشته باشد (۱۱).

بنابراین ضرورت ایجاب می‌کند ابتدا مشکلات و ناهمواری‌هایی که بر سر راه شکوفایی و شکل‌گیری شخصیت سالم نوجوانان قرار دارند، شناخته شود تا راه رسیدگی به مسائل و مشکلات بزهکاری آنان میسر شود. در این زمینه موضوع خانواده به‌صورت کلی و وسیع در بزهکاری نوجوانان بررسی و تحقیق شده است و مقاله‌های بسیار کمی به‌طور جزئی‌تر ابعاد و مسائل خانواده را در بزهکاری نوجوانان بررسی کرده‌اند. از طرف دیگر با نگاهی به تحقیقات انجام‌گرفته مشخص می‌شود که این تحقیقات بیشتر در زمینهٔ مسائلی همچون اعتیاد، طلاق و... صورت گرفته است؛ لذا نیاز به انجام چنین تحقیقی ضروری به‌نظر می‌رسد و بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌های انسانی برای پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منوط به سرمایهٔ انسانی و میزان سرمایه‌گذاری برای پرورش انسان‌های فرهیخته، سالم، بانشاط، کارآمد، توانا و سالم است.

از سوی دیگر، نوآوری پژوهش حاضر از آن حیث است که مطالعات مداخله‌ای چندانی در گروه نوجوانان بزهکار انجام نشده است؛ درحالی‌که مطالعهٔ موضوع تغییر رفتار نوجوانان بزهکار برای سلامت جامعه و سلامت روان خود فرد ضروری است. پژوهش حاضر با هدف تأثیر آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی بر وضعیت روان‌شناختی نوجوانان پسر بزهکار انجام شد.

۲ روش‌بررسی

طرح پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی با پیش‌آزمون‌ـ پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعهٔ آماری پژوهش را همهٔ نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر تهران در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. ازطریق نمونه‌گیری دردسترس، ۵۰ نفر از آنان برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش و گروه گواه قرار گرفتند. ملاک انتخاب تعداد افراد نمونه براساس اندازهٔ اثر ۰/۲۵، آلفای ۰/۰۵ و توان ۰/۸۰ در دو گروه، حداقل تعداد نمونه برای دستیابی به توان مدنظر، ۲۵ نفر در هر گروه و جمعاً ۵۰ نفر به‌دست آمد. گروه آزمایش تحت آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی قرار گرفت. گروه گواه هیچ نوع آموزشی دریافت نکرد. هر دو گروه در دو مرحلهٔ پیش‌آزمون و پس‌آزمون از نظر ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی ذهنی بررسی شدند. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش، طیف سنی ۱۳ تا ۱۸ سال، سکونت در کانون اصلاح و تربیت به‌دلیل ارتکاب رفتارهای بزهکارانه و دریافت‌نکردن هرگونه آموزش و مداخلات روان‌شناختی دیگر بود. ملاک‌های خروج از جلسات، غیبت بیش از سه جلسه بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح زیر بود: ۱.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]

تمامی افراد به‌صورت شفاهی اطلاعاتی دربارهٔ پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند؛ ۲. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ ۳. به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد؛ ۴. به افراد گفته شد که در هر مرحله از پژوهش می‌توانند از ادامهٔ حضور انصراف دهند.

به گروه آزمایش، طی سیزده جلسه، مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی آموزش داده شد. جلسات به‌صورت هفتگی برگزار شد و مدت زمان هر جلسه یک ساعت بود. محتوای جلسات براساس الگوی حل مسئلهٔ اجتماعی دزوریلا و نزو (۱۲) صورت‌بندی شد. برنامهٔ مداخله توسط پژوهشگر اول این مطالعه اجرا شد که در این زمینه آموزش دیده بود.

جدول ۱. محتوای جلسات براساس الگوی حل مسئلهٔ اجتماعی

جلسه	محتوا
اول و دوم	مرحلهٔ اول: جهت‌گیری کلی (توانایی شناخت مشکل، پذیرش مشکل، اعتقاد به مؤثربودن چارچوب حل مسئله در برخورد با مشکل، انتظارات خودکارآمدی زیاد به‌منظور اجرای مراحل مدل، عادت به توقف، تفکر و سپس اقدام به تلاش برای حل مسئله)
سوم و چهارم	مرحلهٔ دوم: تعریف و صورت‌بندی مسئله (گردآوری همهٔ اطلاعات دردسترس، تفکیک حقایق از فرضیات نیازمند تحقیق، تجزیهٔ مشکل، مشخص‌کردن اهداف واقعی)
پنجم و ششم	مرحلهٔ سوم: تولید راه‌حل‌های بدیل (تعیین طیفی از راه‌حل‌های محتمل، امکان انتخاب پایهٔ مؤثرتر از بین پاسخ‌ها)
هفتم و هشتم	مرحلهٔ چهارم: تصمیم‌گیری (پیش‌بینی پیامدهای احتمالی هر اقدام، توجه به سودمندی این پیامدها)
نهم و دهم	مرحلهٔ پنجم: اجرای راه‌حل (اجرای روش انتخاب‌شده)
یازدهم و دوازدهم	مرحلهٔ ششم: بازبینی (مشاهدهٔ نتایج حاصل از اجرا و ارزشیابی)
سیزدهم	جمع‌بندی محتوای جلسات

برای سنجش وضعیت روان‌شناختی نوجوانان بزهکار از دو پرسشنامهٔ زیر استفاده شد.

ـ پرسشنامهٔ پنج عامل بزرگ شخصیت[1]: این پرسشنامه توسط جان در سال ۱۹۹۰ با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد ساخته شد (۱۳). پرسشنامه ۴۴ گویه و ۵ عامل دارد که عبارت است از: روان‌رنجورخویی؛ برون‌گرایی؛ گشودگی نسبت به تجربه؛ مقبولیت؛ وظیفه‌شناسی. نحوهٔ پاسخ‌گویی به گویه‌ها براساس طیف لیکرت ۵درجه‌ای (۱=کاملاً مخالفم؛ ۲=تاحدی مخالفم؛ ۳=بدون نظر؛ ۴ تاحدی موفقم؛ ۵=کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود و دامنهٔ نمرات بین ۴۴تا۲۲۰ متغیر است. کسب نمرهٔ بیشتر در هریک از خرده‌مقیاس‌ها به معنای بیشتربودن آن ویژگی شخصیتی در فرد است (۱۳). روایی هم‌زمان پرسشنامهٔ اصلی ۰/۷۷ و اعتبار بازآزمایی آن بین ۰/۷۵تا۰/۸۳ بود (۱۴). خانی و قریشی ضریب همسانی درونی را برای روان‌رنجورخویی ۰/۸۰، برای برون‌گرایی ۰/۸۷، برای گشودگی نسبت به تجربه ۰/۷۷، برای مقبولیت ۰/۸۲ و برای وظیفه‌شناسی ۰/۸۷ گزارش کردند (۱۵). در این مطالعه پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ برای عامل روان‌رنجورخویی ۰/۸۱، برون‌گرایی ۰/۷۲، گشودگی نسبت به تجربه ۰/۶۵، مقبولیت ۰/۵۶ و وظیفه‌شناسی ۰/۸۲ به‌دست آمد. در این پژوهش از بین ۵ عامل، ۲ عامل روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی به‌دلیل وجود پیشینهٔ پژوهش و مرتبط‌بودن با مهارت‌های اجتماعی بررسی شده است.

ـ مقیاس بهزیستی ذهنی[2]: این مقیاس توسط کییز و همکاران در سال ۲۰۰۲ و با هدف ارزیابی بهزیستی ذهنی افراد ساخته شد (۱۶). پرسشنامه ۱۲ عبارت دارد که ۶ عبارت عاطفهٔ مثبت و ۶ عبارت عاطفهٔ منفی را می‌سنجند؛ یعنی درمجموع، عاطفهٔ مثبت، عاطفهٔ منفی و رضایت از زندگی را می‌سنجند. سؤالات در طیف لیکرت ۵درجه‌ای (۱=کاملاً مخالفم؛ ۲=تاحدی مخالفم؛ ۳=بدون نظر؛ ۴=تاحدی موافقم؛ ۵=کاملاً موافقم) پاسخ داده می‌شود. دامنهٔ نمرات بین ۱۲تا۶۰ است. کسب نمرهٔ بیشتر در هریک از خرده‌مقیاس‌ها به‌معنای بیشتربودن آن مشخصه در فرد است (۱۶). روایی هم‌زمان پرسشنامهٔ اصلی ۰/۷۰ و اعتبار بازآزمایی آن بین ۰/۸۱تا۰/۸۳ بود (۱۷). جوشانلو و دایمی ضریب آلفای کرونباخ را برای عاطفهٔ مثبت ۰/۸۱ و برای عاطفهٔ منفی ۰/۸۳ گزارش کردند (۱۸). در مطالعهٔ حاضر پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ عاطفهٔ مثبت ۰/۷۹ و عاطفهٔ منفی ۰/۸۲ به‌دست آمد.

داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۱۸ در سطح معناداری ۰/۰۵ تحلیل شدند.

۳ یافته‌ها

در جدول ۲، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر ویژگی‌های شخصیتی و متغیر بهزیستی ذهنی در نوجوانان بزهکار در دو گروه آزمایش و گواه ارائه شده است.

[1]. Big Five Inventory (BFI)

[2]. Subjective Well-Being Scale

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی نمرهٔ شرکت‌کنندگان گروه‌های گواه و آزمایش در شش مؤلفهٔ مشکلات روان‌شناختی به‌همراه نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسهٔ پیش‌آزمون و پس‌آزمون		
						مقدار F	مقدار p	مجذور اتا
برون‌گرایی	آزمایش	۶۴/۶۰	۱۵/۳۳	۹۰/۴۰	۲۵/۳۱	۹/۲۱	۰/۰۰۴	۰/۱۸
	گواه	۷۳/۲۰	۱۵/۹۶	۷۲/۱۶	۱۴/۷۱			
روان‌رنجورخویی	آزمایش	۶۳/۸۰	۱۲/۱۸	۶۲/۵۲	۱۳/۷۲	۱/۸۲	۰/۱۸۵	۰/۰۴
	گواه	۷۰/۸۰	۱۵/۱۱	۶۷/۲۰	۱۶/۰۱			
عاطفهٔ مثبت	آزمایش	۶۰/۶۴	۱۱/۹۵	۵۶/۵۲	۱۲/۱۷	۱/۲۵	۰/۲۶۳	۰/۰۲
	گواه	۷۱	۱۴/۱۹	۶۰/۳۲	۱۰/۶۰			
عاطفهٔ منفی	آزمایش	۵۵/۸۴	۱۵/۱۹	۶۰/۳۶	۲۰/۶۰	۰/۱۷	۰/۶۷۱	۰/۰۰۴
	گواه	۶۴/۹۶	۱۶/۱۸	۶۴/۴۸	۱۵/۰۸			
رضایت از زندگی	آزمایش	۵۷/۳۶	۱۸/۳۳	۷۷/۵۶	۱۶/۷۷	۳/۸۷	۰/۰۵۱	۰/۰۸
	گواه	۶۴/۴۰	۲۰/۳۶	۷۰/۰۴	۱۱/۵۹			
بهزیستی ذهنی	آزمایش	۶۹/۸۰	۱۲/۹۹	۸۸/۲۰	۱۶/۵۱	۱/۳۵	۰/۲۵۶	۰/۰۳
	گواه	۷۷/۲۰	۱۸/۷۶	۸۱/۱۲	۱۰/۱۵			

برای بررسی اختلاف میانگین‌ها در متغیرهای برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، عاطفهٔ مثبت، عاطفهٔ منفی، رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی در پس‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه، از تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. قبل از انجام آزمون، پیش‌فرض‌های آن بررسی شد. نتایج آزمون نرمالیتی کولموگروف‌اسمیرنوف نشان داد که توزیع نمره‌های شرکت‌کنندگان در همهٔ متغیرها (به‌جز پیش‌آزمون عاطفهٔ مثبت) به توزیع نرمال نزدیک است. در بررسی مفروضهٔ همگنی ماتریس واریانس‌ـ کوواریانس نتایج نشان داد که داده‌ها از این فرض تخطی کرده است ($p<۰/۰۰۱$)؛ بنابراین با انجام آنالیز کوواریانس چندمتغیره با درنظرگرفتن مقدار اثر پیلایی مشاهده شد که میانگین نمره‌های شرکت‌کنندگان حداقل در یکی از شش مؤلفهٔ شخصیت برون‌گرا، روان‌رنجورخویی، عاطفهٔ مثبت، عاطفهٔ منفی، رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی به‌طور هم‌زمان بین اعضای دو گروه آزمایش و گواه متفاوت است ($p<۰/۰۰۱$).

نتایج جدول ۲ حاکی‌از آن است که تنها میانگین مؤلفهٔ شخصیت برون‌گرا در پس‌آزمون بعد از حذف اثر پیش‌آزمون در گروه آزمایش تفاوت معناداری با گروه گواه دارد ($F=۹/۲۱$، $p=۰/۰۰۴$)؛ با این حال تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و گواه در متغیرهای روان‌رنجورخویی، عاطفهٔ مثبت، عاطفهٔ منفی، رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون وجود ندارد.

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی بر وضعیت روان‌شناختی نوجوانان پسر بزهکار انجام شد. نتایج نشان داد، آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی به نوجوانان بزهکار نمی‌تواند بهزیستی ذهنی آن‌ها را بهبود بخشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های سیو و شک (۷) و جونز و همکاران (۱۰) ناهمسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت دلیل تأثیرنداشتن آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر بهزیستی ذهنی نوجوانان پسر می‌تواند این باشد که نوجوانان بزهکار در مراکز اصلاح و تربیت تحت فشارهای شدید روحی و روانی هستند و دوری از خانواده و دوستان به کاهش هر چه بیشتر سلامت روان و بهزیستی آنان چنان لطمه‌ای وارد کرده است که حتی با آموزش مهارت‌های حل مسئلهٔ اجتماعی نیز، بهزیستی ذهنی آنان افزایش معناداری از خود نشان نداده است (۱۹)؛ بااین‌حال، اگر نوجوان در مراکز اصلاح و تربیت تحت نظارت خانواده از مهارت‌های اجتماعی مانند مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی برخوردار باشد، بهتر می‌تواند با این تغییرات مواجه شود. از آنجا که آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی فرایندی است که به فرد کمک می‌کند در موقعیت‌های اجتماعی شناخت‌های خود را کنترل کند، فرد در نتیجهٔ کنترل شناخت‌های منفی و تحریف‌شده، هیجان‌های خود را نیز کنترل می‌کند و هیجان‌ها عامل اصلی بهزیستی ذهنی‌اند (۲۰)؛ درنتیجه نوجوانان بزهکار با یادگیری این مهارت تحت نظارت خانواده، به‌مرور هیجان‌های مثبت‌تری را تجربه می‌کنند و بهزیستی ذهنی بیشتری خواهند داشت. مهارت حل مسئلهٔ بین‌فردی و اجتماعی احساس خودکارآمدی نوجوانان را بهبود می‌بخشد (۲۱). از این نظر نیز می‌تواند سلامت روان نوجوانان را ارتقا دهد؛ زیرا خودکارآمدی با سلامت روان، رابطهٔ معناداری دارد (۲۲).

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد، آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی به نوجوانان بزهکار می‌تواند ویژگی شخصیتی برون‌گرایی آن‌ها را بهبود بخشد. پژوهش حاضر با پژوهش کنگ و تان مبنی بر تأثیر آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی بر ویژگی شخصیتی برون‌گرایی (۲۳) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت بسیاری از افراد در موقعیت‌های تنش‌زا جهت‌گیری منفی دربرابر مسئله دارند؛ یعنی به‌جای اینکه راهبرد مناسبی اتخاذ کنند، یا از مواجهه با مسئله اجتناب

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]

می‌ورزند یا تکانشی و بی‌دقت عمل می‌کنند (۲۴). آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی به نوجوانان بزهکار کمک می‌کند تا یاد بگیرند به‌جای اینکه در مواجهه با تنش‌های اجتماعی، ناگهانی و بدون فکر مرتکب رفتارهای پرخاشگرانه یا خلاف قانون شوند، کمی صبورانه‌تر رفتار کنند. برخورداری از مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی موجب می‌شود که فرد کیفیت روابط اجتماعی را بهتر بداند و بهزیستی هیجانی بیشتری داشته باشد؛ زیرا توانایی حل مسئلهٔ اجتماعی سبب می‌شود فرد با شناخت‌های سازنده‌ای با مسائل مواجه شود، امیدوارتر و خوش‌بین‌تر باشد، به ارزیابی موقعیت و مسئله بپردازد و آن را فرصتی برای یادگیری بداند؛ درواقع این مهارت، شناخت و نیز رفتار را تغییر می‌دهد و درنهایت موجب می‌شود فرد سلامت روان بهتری داشته باشد. افرادی که مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی دارند، تعاملات سازنده‌تری با دیگران برقرار می‌کنند و راحت‌تر با محیط سازگار می‌شوند (۲۵). آن‌ها گزارش کردند که مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی می‌تواند آشفتگی روان‌شناختی را کاهش دهد؛ زیرا فرد جهت‌گیری مثبتی دربارهٔ مسئله اتخاذ می‌نماید و در زندگی روزانه، نشاط بیشتری را تجربه می‌کند.

درواقع، مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی به فرد کمک می‌کند تا در موقعیت‌های پیچیدهٔ بیرونی، از امکانات عقلانی و روان‌شناختی استفاده کند؛ اما نبود مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی سبب می‌شود فرد در موقعیت‌های اجتماعی، احساس درماندگی کند و مستعد اختلالات روانی شود. فردی که از مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی برخوردار است، احساس ناتوانی ندارد و واکنش‌های خود را کنترل می‌کند و کمتر دچار اضطراب و افسردگی می‌شود؛ بنابراین سلامت روان بهتری دارد (۲۱). برای تعیین تداوم اثربخشی درمان، پژوهشگر در نظر داشت پس از گذر شش ماه از جلسات درمان و پس‌آزمون، آزمون پیگیری را لحاظ کند؛ اما دسترسی دوباره به آزمودنی‌ها پس از سه ماه عملاً امکان‌پذیر نبود. امکان‌نداشتن آزمون‌های پیگیری یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. این پژوهش تنها به آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی به نوجوانان بزهکار بسنده کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی، به مشاورهٔ گروهی با هدف افزایش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی یا سایر مهارت‌های اجتماعی یا مهارت کنترل خشم و مدیریت هیجان بپردازند.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، آموزش مهارت حل مسئلهٔ اجتماعی بر ویژگی شخصیتی برون‌گرایی نوجوانان پسر بزهکار تأثیر دارد؛ بنابراین کانون اصلاح و تربیت می‌تواند از طریق آموزش حل مسئلهٔ اجتماعی به نوجوانان، ویژگی شخصیتی برون‌گرایی آن‌ها را بهبود بخشد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در این پژوهش به ما یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری آکادمی تحصیلات تکمیلی تاجیکستان با کد ۳۲۷۵۹ است. مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه‌شده از کانون اصلاح و تربیت با شماره نامهٔ ۴۵۳ صادر شده است. نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند. این پژوهش با حمایت مالی نهاد یا سازمانی انجام نشده است.

References

1. Barshan S, Haji Alizadeh K. The effectiveness of group training about cognitive emotion regulation on improving mental health in delinquent male adolescents of Kerman city. Health and Development Journal. 2017;6(3):247–58. [Persian] http://jhad.kmu.ac.ir/article-1-399-en.pdf
2. Novik NN, Podgórecki J. A model of developing communication skills among adolescents with behavioral problems. International Journal of Environmental and Science Education. 2015;10(4):579–87.
3. Neal TMS. Forensic psychology and correctional psychology: distinct but related subfields of psychological science and practice. Am Psychol. 2018;73(5):651–62. doi: 10.1037/amp0000227
4. Ezell JM, Richardson M, Salari S, Henry JA. implementing trauma-informed practice in juvenile justice systems: what can courts learn from child welfare interventions? Journ Child Adol Trauma. 2018;11(4):507–19. doi: 10.1007/s40653-018-0223-y
5. Butcher F, Tossone K, Kishna M, Kretschmar JM, Flannery DJ. Poly-Victimization across time in juvenile justice-involved youth receiving behavioral health treatment. Victims & Offenders. 2020;15(1):22–42. doi: 10.1080/15564886.2019.1680467
6. García-López E. Reseña. Ciencias de la conducta y criminología forense en el Sistema Acusatorio. ActColomPsicol. 2018;21(2):301–4.
7. Siu AMH, Shek DTL. social problem solving as a predictor of well-being in adolescents and young adults. Soc Indic Res. 2010;95(3):393–406. doi: 10.1007/s11205-009-9527-5
8. Barrett DE, Katsiyannis A, Zhang D, Zhang D. Delinquency and recidivism: a multicohort, matched-control study of the role of early adverse experiences, mental health problems, and disabilities. Journal of Emotional and Behavioral Disorders. 2014;22(1):3–15. doi: 10.1177/1063426612470514

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]

9. Bird JM, Markle RS. Subjective well-being in school environments: promoting positive youth development through evidence-based assessment and intervention. Am J Orthopsychiatry. 2012;82(1):61–6. doi: 10.1111/j.1939-0025.2011.01127.x
10. Jones DE, Greenberg M, Crowley M. Early social-emotional functioning and public health: the relationship between kindergarten social competence and future wellness. Am J Public Health. 2015;105(11):2283–90. doi: 10.2105/AJPH.2015.302630
11. Durlak JA, Weissberg RP, Dymnicki AB, Taylor RD, Schellinger KB. The impact of enhancing students' social and emotional learning: a meta-analysis of school-based universal interventions. Child Dev. 2011;82(1):405–32. doi: 10.1111/j.1467-8624.2010.01564.x
12. D'Zurilla TJ, Nezu A. A study of the generation-of-alternatives process in social problem solving. Cogn Ther Res. 1980;4(1):67–72. doi: 10.1007/BF01173355
13. John OP. The "Big Five" Factor Taxonomy: dimensions of personality in the natural language and in questionnaires. In: Handbook of Personality: theory and research. New York, US: The Guilford Press; 1990. pp: 66–100.
14. Ubbiali A, Chiorri C, Hampton P, Donati D. Italian Big Five Inventory, psychometric properties of the Italian adaptation of the Big Five Inventory (BFI). Applied Psychology Bulletin. 2013;266(59):37–48.
15. Khany R, Ghoreyshi M. The Nexus between Iranian EFL Students' Big Five personality traits and foreign language speaking confidence. European Online Journal of Natural and Social Sciences. 2013;2(2s):601–11.
16. Keyes CLM, Shmotkin D, Ryff CD. Optimizing well-being: the empirical encounter of two traditions. J Pers Soc Psychol. 2002;82(6):1007–22.
17. Erozkan A. The Effect of communication skills and interpersonal problem solving skills on social self-efficacy. Educational Sciences: Theory and Practice. 2013;13(2):739–45.
18. Joshanloo M, Daemi F. Self-esteem mediates the relationship between spirituality and subjective well-being in Iran. Int J Psychol. 2015;50(2):115–20. doi: 10.1002/ijop.12061
19. de la Fuente A, Chang EC, Cardeñoso O, Chang OD. The psychological impact of social problem solving under stress in adults: Debased life satisfaction, heightened depressed mood, or both? Personality and Individual Differences. 2019;146:46–52. doi: 10.1016/j.paid.2019.03.033
20. Laschinger HKS, Borgogni L, Consiglio C, Read E. The effects of authentic leadership, six areas of worklife, and occupational coping self-efficacy on new graduate nurses' burnout and mental health: A cross-sectional study. Int J Nurs Stud. 2015;52(6):1080–9. doi: 10.1016/j.ijnurstu.2015.03.002
21. Shrestha S, Shibanuma A, Poudel KC, Nanishi K, Koyama Abe M, Shakya SK, et al. Perceived social support, coping, and stigma on the quality of life of people living with HIV in Nepal: a moderated mediation analysis. AIDS Care. 2019;31(4):413–20. doi: 10.1080/09540121.2018.1497136
22. Lebacq T, Dujeu M, Méroc E, Moreau N, Pedroni C, Godin I, et al. Perceived social support from teachers and classmates does not moderate the inverse association between body mass index and health-related quality of life in adolescents. Qual Life Res. 2019;28(4):895–905. doi: 10.1007/s11136-018-2079-x
23. Keng SL, Tan JX. Effects of brief mindful breathing and loving-kindness meditation on shame and social problem solving abilities among individuals with high borderline personality traits. Behav Res Ther. 2017;97:43-51. doi: 10.1016/j.brat.2017.07.004
24. Gustems-Carnicer J, Calderon C, Batalla-Flores A, Esteban-Bara F. Role of coping responses in the relationship between perceived stress and psychological well-being in a sample of spanish educational teacher students. Psychol Rep. 2019;122(2):380–97. doi: 10.1177/0033294118758904
25. Walker KL, Kaniuka A, Sirois FM, Chang EC, Hirsch JK. Improving health-related quality of life and reducing suicide in primary care: can social problem–solving abilities help? Int J Ment Health Addiction. 2019;17(2):295–309. doi: 10.1007/s11469-018-0019-1

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.157.6]